

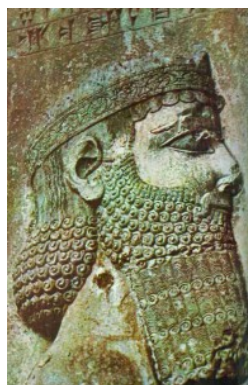


داریوش بزرگ

زندگی نامه و خدمات داریوش بزرگ

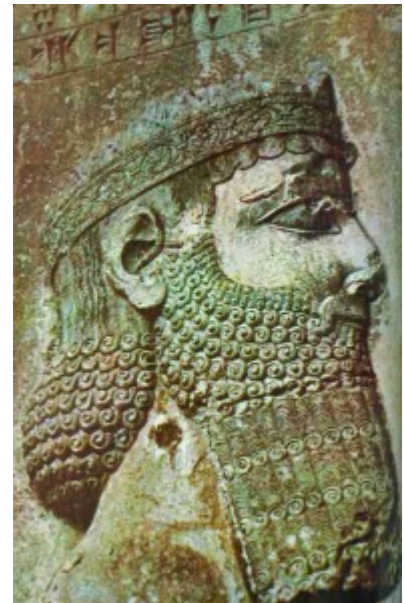
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۰ خرداد ۱۳۹۶ | ۱۲ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

داریوش یکم، پسر ویشتاسپ، ملقب به داریوش بزرگ، سومین پادشاه هخامنشی بود. وی در سال ۵۲۲ پیش از میلاد، با کمک تعدادی از رؤسای هفت خانواده بزرگ پارسی با کشتن گئومات مغ که به عنوان بر دیا فرزند کوروش بزرگ بر تخت نشسته بود، سلطنت را به خاندان هخامنشی بازگرداند. پس از آن به فرونشاندن شورشهای داخلی پرداخت. نظام شاهنشاهی را استحکام بخشید و سرزمینهایی چند به شاهنشاهی الحاق کرد. آغاز ساخت پارسه (تخت جمشید) در زمان پادشاهی او بود از دیگر کارهای او حفر ترعه‌ای بود که دریای سرخ را به رود نیل و



داریوش یکم، پسر ویشتاسپ، ملقب به داریوش بزرگ، سومین پادشاه هخامنشی بود. وی در سال ۵۲۲ پیش از میلاد، با کمک تعدادی از رؤسای هفت خانواده بزرگ پارسی با کشتن گئومات مغ که به عنوان برادر فرزندان کوروش بزرگ بر تخت نشسته بود، سلطنت را به خاندان هخامنشی بازگرداند. پس از آن به فرونشاندن شورشهای داخلی پرداخت. نظام شاهنشاهی را استحکام بخشید و سرزمینهایی چند به شاهنشاهی الحاق کرد. آغاز ساخت پارسه (تخت جمشید) در زمان پادشاهی او بود.

از دیگر کارهای او حفر ترعه‌ای بود که دریای سرخ را به رود نیل و از آن طریق به دریای مدیترانه پیوند می‌داد. مقبره او در دل کوه رحمت در مکانی به نام نقش رستم در مروج دشت فارس (نزدیک شیراز) است. شهرت او در غرب به خاطر وقوع نبرد ناموفق ایرانیان با یونانیان در مکانی به نام ماراتون در زمان اوست. آغاز ساخت پارسه (تخت جمشید) در زمان پادشاهی او بود. پس از جهانگیری کوروش و کمبوجیه سراسر آسیا مگر جزو قلمرو او محسوب می‌گردید.

رسیدن به پادشاهی داریوش بزرگ

گئومات یا بردیای دروغین پس از دستیابی به تاج و تخت، تمام زنان کمبوجیه را به همسری گرفت. یکی از این زنان فیدمیا، دختر اتانس (اوتانه یا هوتن) یکی از تواناترین نجبای ایران بود. اولین کسی که پس از هفت ماه فرمانروایی به گئومات ظنین شد که او فرزند کوروش نیست بلکه مرد شیادی است، اتانس بود. او از دختر خود پرس و جو کرد و دخترش نتیجه تحقیق را به پدر اطلاع داد. اتانس یک دسته شش نفره، از نجبای پارس را که به آنها اطمینان داشت، در شوش تشکیل داد و با ورود داریوش از پارس تصمیم اتخاذ شد که او را نیز در گروه خویش وارد سازند. این هفت تن با هم قسم خوردند که برای دفع غاصب اقدام کنند. هرودوت این قیام را قیام هفت یار نام نهاده‌است. داریوش در سال ۵۲۲ پیش از میلاد گئومات (بردیای دروغین) را به قتل رساند. بدین منوال تخت و تاج پادشاهی ایران به داریوش رسید.

شورش ولایات ایران در زمان داریوش بزرگ

پس از آن، کلیه استان‌ها سر به شورش برداشتند که داریوش و یارانش طی ۱۹ نبرد، ۹ پادشاه را که با وی به منازعه برخاستند، سرکوب کرد. اولین طغیان در عیلام روی داد. در ماد هم یک مدعی که خود را از اخلاف هووخشتره می‌خواند، مدعی سلطنت ماد بود. در پارس یک مدعی دیگر خود را بردیا پسر کوروش خواند. این نکته که شورشیان همواره در یک زمان سربرنمی‌داشتند و هدف مشترک یا پیوند اتحادی هم با یکدیگر نداشتند، عامل عمده‌ای بود که داریوش را در دفع شورش‌ها یاری کرد. طغیان بابل نیز کمتر از دیگر طغیان‌ها، موجب دغدغه خاطر داریوش نبود. تمام این اغتشاش‌ها که در ارمنستان، ماد، کردستان، رنج، و مرو روی داد، با خشونت سرکوب شد و داریوش خشونت را در این مواقع همچون وسیله‌ای تلقی می‌کرد که می‌توانست از توسعه و تکرار نظایر این حوادث، جلوگیری کند.

کتیبه بیستون که گزارش این جنگ‌های تمام نشدنی است، نشان می‌دهد که او نظم و امنیت شاهنشاهی را به بهای چه اندازه رنج و سعی مستمر و بی‌انقطاع توانسته‌است، تأمین کند. ساتراپ‌هایی که کوروش بعد از فتح و ضبط ولایات در هر قلمرو تازه‌ای گماشته بود، اکثراً درین ایام، خود رأی شده بودند و سپاه و تجهیزات هم در اختیار داشتند. با مرگ کمبوجیه و قتل کسی که بسیاری از مردم ولایات او را پسر کوروش، شناخته بودند، تعدی این حکام استقلال‌جوی، به ناخرسندی مردم انجامیده بود و مردم استان‌ها، بهانه برای شورش بدست می‌آوردند. داریوش مردی جهان‌نیده بود و با ازدواج با دختر کوروش و با تعدادی از دختران خانواده‌های بزرگ پارس او را در موقعیتی قرار داده بود که نجای پارس و مادی هر یک بخاطر خویشاندی نسبی و یا سببی خویش، نسبت به این پادشاه نخواست که در حمایت و تبعیت از وی، هم‌پیمان هم شده بودند، وفادار و حتی علاقمند بمانند.

تشکیلات ارتشی داریوش بزرگ

بازگرداندن امنیت در تمام این نواحی شورش زده، طبعاً هم ضرورت ایجاد یک سازمان سامانمند اداری را به داریوش الهام کرد و هم وسایل و تجارب لازم را در اختیارش گذاشت. [۶] داریوش اهتمام فراوانی از خود برای ساماندهی تشکیلات داخلی کشور به خرج داد به طوریکه نظام تشکیلاتی که وی بنیان نهاد، مدتها بعد با اندک تغییری، توسط سایر حکومتها از جمله سلوکیه، ساسانیان و حتی اعراب دنبال گردید. داریوش فوق‌العاده مراقب بود که از طرف مأمورین دولتی تعدی به مردم نشود و با این مقصود همواره در ممالک ایران حرکت و از نزدیک به امور سرکشی می‌کرد. نجبا که از این مراقبت شاه دلخوش نبودند او را دوره گرد نامیدند ولیکن مورخین این سخریه را برای او بهترین تمجید می‌دانند. در زمان او یک دستگاه منظم اداری در کشور بوجود آمد که تمرکز امور را ممکن می‌ساخت و ظاهراً تا حدی نیز از نظام رایج در مصر که داریوش در جوانی و در ضمن اقامت سه ساله خود در آنجا با آن آشنا شده بود، الهام می‌گرفت چون نجبا و اعیان پارس و مادی که غالباً روحیه نظامی داشتند، به کارهای دبیری تن در نمی‌دادند، این کار به دست اقوام تابع افتاد و اقوام آرامی‌ها که درین امور سر رشته را به دست گرفتند، زبان آرامی را در قلمرو هخامنشی‌ها زبان دیوانی و اداری کشور کردند. داریوش در طول ۳۶ سال پادشاهی خود، اقداماتی به شرح ذیل انجام داد.

تقسیم قلمرو شاهنشاهی داریوش به چندین ساتراپ

داریوش سرزمین‌های ایران را به چند قسمت تقسیم نموده، برای هر کدام یک والی معین نمود. به زبان آن‌روزی (خستریاوان) می‌گفتند یعنی حامی یا نگهبان مملکت. یونانی‌ها، ساتراپ نوشته‌اند و تعداد بخش‌ها را بین بیست الی بیست و شش بخش ذکر کرده‌اند ولیکن تعداد ولایات در کتیبه نقش رستم به سی ولایت می‌رسد. برای اینکه کارها همه در دست یک نفر نباشد، دو نفر از مرکز مأمور می‌شدند که یکی به فرماندهی قشون محلی منصوب بود و دیگری به اسم سردبیر که کارهای کشوری را اداره می‌کرد. سردبیر در واقع مفتش مرکز در ایالات بود و مقصود از تأسیس این شغل این بود که مرکز بداند احکامی که به ساتراپ صادر می‌شود اجرا می‌گردد یا نه. مفتشینی که از مرکز برای دیدن اوضاع ایالات مأمور می‌شدند، لقب چشم و گوش دولت را داشتند. درست است که این ساتراپ‌ها در حوزه حکومت خویش مثل یک پادشاه دست نشانده، قدرت و حیثیت بلامنازع داشتند اما در واقع تمام احوالشان تحت نظارت دقیق و بلاواسطه شاه و «چشم» و «گوش» او بود و این نکته کمتر به آنها مجال می‌داد که داعیه استقلال یا فکر تجاوز از قانون پادشاه را در خاطر بگذرانند. این نظارت‌ها در عین حال هم رعیت را از استثمار و تعدی ساتراپ‌ها در امان نگه میداشت و هم به ساتراپ‌ها اجازه نمی‌داد تا با جمع آوری عوارض و مالیات‌های بیجا خزانه خود را تقویت کنند و لاجرم به فکر توسعه قدرت بیفتند.

ایجاد راه شاهی داریوش بزرگ

از جمله اقدامات داریوش در این زمینه می‌توان به ایجاد راه شاهی که سارد پایتخت سابق لیدی، را به شوش پایتخت هخامنشیان وصل می‌کرد. یک راه دیگر نیز بابل را به مصر مربوط می‌کرد.

ایجاد لشکر جاویدان داریوش بزرگ

برای اینکه نیروی نظامی بقدر کفایت و با سرعت به جاهای لازم برسد، داریوش لشگری ترتیب داده بود که موسوم به لشکر جاویدان بود، زیرا هیچگاه از تعداد آنها نمیکاست و فوراً جاهای خالی را پر می‌کرد. تعداد این لشکر ده هزار نفر بود.

تنظیم مالیات‌ها ایران در زمان داریوش بزرگ

مورخین یونانی نوشته‌اند داریوش برای هر ایالتی مالیات نقدی و جنسی معین کرد. پلوتارک مورخ یونانی می‌نویسد «داریوش در صدد تحقیق برآمد تا معلوم نماید که مالیات تعیین شده، بر مردم گران است یا نه و چون جواب آمد که گران نیست و مردم می‌توانند بپردازند، باز مالیات‌ها را کم کرد تا تحمیلی بر مردم نشود.»

در پادشاهی کوروش و کمبوجیه مالیات ثابت رسم نبود. درآمد عمومی فقط از راه هدایا و تقدیمی فراهم می‌گشت. به مناسبت برقراری مالیات این شایعه در میان پارسیان رواج یافته بود که داریوش تاجر است و از هر جا که میتواند عایدات فراهم می‌کند. کمبوجیه جبار و به منافع اتباع خود بی‌اعتنا و کوروش پدر و حامی اقوام و ملل که با قلبی مهربان و رئوف، پیوسته در اندیشه آسایش رعایای خویش بود.

به نظر می‌رسد که در مورد مناسب بودن یا گزاف بودن مالیات‌های دوران داریوش، توافق نظر بین مورخین وجود ندارد، همچنین آمده‌است که در مصر بواسطه مالیات‌های گزاف، در سال‌های آخر سلطنت داریوش، زارعین مصری

شورش کردند.

ارتباط دادن دریای مدیترانه و دریای سرخ در زمان داریوش بزرگ

کانال سوئز وقتی داریوش در هند بود مشاهده کرد که بازرگانی مصر و شامات با هند از راه خشکی مشکل است و حمل و نقل گران تمام می‌شود این بود که امر کرد، که کانالی که امروزه به نام کانال سوئز معروف است و نخستین بار در سال ۶۰۹ پیش از میلاد ایجاد شده و در زمان داریوش پر شده بود، را پاک کرده و سیر کشتی‌ها را در این کانال، برقرار نمودند. گویا داریوش در سر راه خود به مصر این آبراه ناتمام را دیده بود و درباره آن از مردم پرسشهایی کرده بود. در سنگ نوشته‌هایی که به خط هیروگلیف مصری به یادبود ساختن این کانال، در دست است، اشاراتی به این پرسش‌ها وجود دارد. سه سنگ‌نوشته از داریوش در کانال سوئز کشف شده که مفصل‌ترین و مهم‌ترین آنها ۱۲ سطر دارد و مشتمل است بر مدح اهورامزدا و معرفی داریوش و دستور حفر ترعه سوئز. دو کتیبه دیگر کوچک‌ترند و مشتمل بر معرفی داریوش هستند.

یکسان کردن واحد پول و واحد اندازه‌گیری در زمان داریوش بزرگ

ارتباط اقتصادی دایم، بین تمام ولایات، یک دستگاه واحد پول و یک نظام اوزان و مقادیر قابل تبدیل را، در سراسر کشور الزامی می‌نمود. سکه‌های طلایی که در این دوران، در تمام ایران رواج پیدا کرد، به سکه دریک موسوم بود. در تاریخ جهان، لیدیه نخستین مملکتی بود که سکه در آنجا زده شد ولی در تاریخ ایران، در زمان داریوش بود که نخستین سکه متعلق به ایران بوجود آمد.

بازسازی نیایشگاه‌ها

داریوش در سنگ‌نوشته بیستون از بازسازی نیایشگاه‌هایی که گئومات مغ ویران کرده بود، سخن می‌گوید. همچنین برای دلجویی از مصری‌ها که در زمان کمبوجیه نیایشگاه‌هایشان ویران شده بود، به معابد آنها رفته و ادای احترام کرد و نیایشگاه تازه‌ای در آمون، برای مصریان ساخت که خرابه‌های آن، هنوز از مملکت‌داری داریوش حکایت می‌کند. کاهن بزرگ مصر را که به شوش تبعید شده بود، به مصر بازگرداند و او را بسیار احترام کرد. بواسطه این اقدامات مصری‌ها از داریوش راضی شده و او را یکی از قانون‌گذاران بزرگ خود دانستند.

داریوش بزرگ در کتاب مقدس

داریوش همچنین در بازسازی معابد یهودیان که توسط بخت النصر ویران شده بود، به یهودیان یاری کرد. نام داریوش بزرگ در کتاب مقدس عهد عتیق، در ۲۵ آیه، ذکر شده‌است. در کتاب مقدس درباره ثبات و تزلزل ناپذیری قوانین ماد و پارس در کتاب دانیال و استر سخن رفته‌است. به رغم اشکالی که در صحت و قدمت اصل آن کتاب‌ها هست، باز روی هم رفته، اهمیتی که قانون در حفظ وحدت امپراتوری داریوش و اخلاف او داشته‌است، بیان می‌کند حتی افلاطون نیز نقش قانون‌های داریوش را در حفظ و اداره کشور وی نشان گوشزد کرده‌است.

لشکرکشی‌های داریوش بزرگ

علاقه‌ای که داریوش به نظم و انضباط اداری و تأمین امنیت، در سراسر قلمرو خویش داشت، طبعاً از وی مطالبه می‌کرد تا برای توسعه روابط اقتصادی و تسریع در نقل و انتقال‌های محتمل نظامی، غیر از راه‌های زمینی، از راه‌های دریایی هم استفاده کند و همین اندیشه، سرانجام وی را در مدیترانه با اقوام یونانی درگیر کرد.

ضمیمه کردن سند و پنجاب

در سال ۵۱۲ پیش از میلاد، داریوش پس از برقرار کردن امنیت در ممالک تابعه، چند ولایت نیز به ایران ضمیمه کرد، یکی از آنها پنجاب و دیگری سند است که هر دو در هند واقع هستند. نام هند البته در کتیبه بیستون در شمار ایالت‌های تابعه نیست و اینکه در کتیبه پرسپولیس هست نشان می‌دهد که این ولایات جنوب شرقی بعد از جنگ‌های مربوط به دفع شورش‌ها می‌بایست به قلمرو داریوش درآمده باشد.

لشکرکشی به سرزمین سکاها

اقدام داریوش در لشکرکشی به سرزمین سکاها، در این سال‌های توسعه و آرامش تا حدی غریب به نظر می‌آید. چندین نظریه مختلف، درباره هدف و محرک داریوش از این لشکرکشی وجود دارد. شاید وی می‌خواسته‌است، آنها را بخاطر حمله‌های مخربی که بارها به سرزمین ایران کرده بودند، تنبیه کند و برای همیشه خیال آنها را از اقدام به آنگونه مهاجمات منصرف نماید، این احتمالی است که از قول هرودوت نیز بر می‌آید.

در سرزمین سکاها داریوش بجای آنکه با مقاومت این طوایف مواجه شود با عقب نشینی آنها روبرو شد. طی مدت دو ماه سپاه ایران در طول دشت‌های خلوت و بی‌پایان به دنبال دشمن سرگردان بودند و نتیجه‌ای که مطلوب داریوش از این لشکرکشی بود، بلافاصله حاصل نیامد. این نخستین لشکرکشی آسیا برضد اروپا، هر چند خسارت‌های گران برای داریوش به بار آورد ولی هدف این لشکرکشی چندی بعد تحقق یافت، چرا که هم سکاها تا مدت‌ها اندیشه تجاوز به مرزهای ایران را در خاطر راه ندادند و هم مراکز تجارت گندم و چوب یونان تحت نظارت ایران درآمد.

ترجمه قسمتی از کتیبه‌های داریوش

من داریوش، شاه بزرگ، شاه، شاه پارس، شاه سرزمین‌ها (کشورها)، پسر وشتاسب، نوه ارشام هخامنشی هستم. پدر من وشتاسب، پدر وشتاسب ارشام، پدرارشام اریارمن، پدر اریارمن، چیش پیش و پدر چیش پیش هخامنش بود.

ما بدلیل این که از دیرگاهان از خاندانی اصیل و شاهانه بودیم، هخامنشی خوانده شدیم. ۸ نفر از خاندان ما پیش از این شاه بوده‌اند و من نهمین هستم. ما ۹ نفر پشت سر هم شاه بوده و هستیم. به خواست اهورامزدا، من شاه هستم و او شاهی را به من، هدیه داد.

ای که این نوشته‌ها و این نقش‌ها را که من تهیه کرده‌ام، می‌بینی از آنها حفاظت و مراقبت کن.

اگر تا زمانی که توانایی داری از این نوشته‌ها و نقش‌ها مراقبت کنی، اهورامزدا یارت باد و دودمان و زندگیت بسیار باشد و همه کارهایت مورد قبول اهورامزدا باشد.

امیدوارم اگر این نوشته‌ها و نقش‌ها را در هنگام توانایی مراقبت و حفاظت نکنی، اهورامزدا یارت نباشد و دودمانت تباه باشد و آنچه می‌کنی، اهورامزدا ضایع کند.

مقبره داریوش

داریوش در سال ۴۸۶ پیش از میلاد، وفات یافت. مقبره او در دل کوه رحمت در مکانی به نام نقش رستم در مرودشت فارس، نزدیک شیراز است. وصیت جالبی از زبان داریوش که آخرین آرزویش هم فقط آن بود، بر کتیبه مزار او حک شده‌است.



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «زندگی نامه و خدمات داریوش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1093/pdf/زندگی-نامه-و-خدمات-داریوش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵